

بررسی جنبه های مدیریتی در ادب فارسی با تأکید بر سیاست نامه خواجه نظام الملک طوسی و کلیله و دمنه

محمد پیری

دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه علمی کاربردی آبدانان

چکیده

علی رغم توسعه چشم گیر دانش مدیریت در جهان امروز، متأسفانه اندیشه های مدیریتی متفکران و صاحب نظران مسلمان تا به حال، در حدی که شایسته است، مورد بررسی و مطالعه واقع نشده است. بسیاری از این اندیشه های مدیریتی را می توان از لابلای آثار ادبی، سفرنامه ها، دیوان های شعر، کتب تاریخی و جغرافیایی، تذکره ها، نصیحت نامه ها و... که در طول چهارده قرن به وسیله متفکران مسلمان ایرانی نوشته شده اند، دریافت نمود و مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار داد؛ لذا در این جستار سعی شد سیاست نامه خواجه نظام الملک طوسی و کلیله و دمنه، که از آثار مشهور و مهم ادب فارسی اند، از دیدگاه علم مدیریت مورد بحث و موشکافی قرار بگیرد. ما ابتدا نکات مختلف مدیریتی را در ابواب گوناگون را فیش برداری کردیم. در این پژوهش شده است با استفاده از منابع خام و اندک منابع پژوهشی مرتبط با موضوع، مثال هایی را که لازمه ی پیام واقعی شاعران و ادیبان فارسی است، تبیین نماید. آنچه از مطالعه ی این مجموعه و جمع بندی نگرش های مطروحه محرز می شود این است که متون ادب فارسی به عنوان آیینی تمام نمای زندگی ایرانیان است. زندگی اجتماعی ملتی که در افق های دور تاریخ، برای مدیریت جامعه، تدبیرها داشته اند و اجرای عدالت را یک ضرورت محسوب می کردند.

واژگان کلیدی: سیاست نامه، کلیله و دمنه، مدیریت، ادب فارسی.

اولین همایش بین‌المللی و سومین ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

مقدمه

دانش مدیریت استفاده‌ی صحیح از امکانات، نیروی انسانی، وقت و جز آن را امکان‌پذیر می‌سازد، از این رو یکی از عناصر مهم در پویایی اجتماع تلقی می‌گردد. مدیریت عبارت است از: علم و هنر برنامه‌ریزی (پیش‌بینی)، سازمان‌دهی (تقسیم کار و تفکیک وظایف)، هدایت و رهبری (راهنمایی کردن زیردستان و توانایی نفوذ کردن در دل ایشان)، نظارت و کنترل (ناظر بودن بر اعمال ایشان و اصلاح اشتباهاتشان) و نهایتاً ایجاد هماهنگی برای رسیدن به هدف یا اهداف از پیش تعیین شده است. گاهی می‌توان اثر ادبی را در پرتو فرهنگ مسلط اجتماعی تفسیر کرد؛ چون ادبیات، بخشی از روساخت فرهنگی جامعه است و مطالعه‌ی ادبیات جامعه به طرز بسیار ظریف و پیچیده به هم گره خورده است. جامعه و ادبیات، ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و بی‌شک، هردو از هم تأثیر می‌پذیرند. جامعه‌شناسی ادبیات به عنوان یک شاخه‌ی علمی میان‌رشته‌ای، اوضاع اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و... شاعران و نویسندگان را مورد بررسی قرار می‌دهد. شاعر یا نویسنده به عنوان عضوی از جامعه آنچه از تجربه‌ها و تحصیلات خویش اندوخته است، به رشته‌ی تحریر در می‌آورد و مسائل زمان خویش را به نوعی منعکس می‌کند که ما را بهتر با اقتصاد، تولید، طبقات اجتماعی و فرهنگ و سرنوشت پیشینیان آشنا سازد.

گنجینه‌ی انسانی هر اجتماع، بزرگ‌ترین سرمایه‌ی آن است، این سرمایه‌های انسانی، همواره نیازمند مدیریت، رهبری، اکتشاف و استخراج است. بشر برعکس حیوانات که مجهز به نیروی غریزه است، در هدایت نیازمند به تحصیل و اکتساب و به عبارت دیگر به رهبری و راهنمایی محتاج است. انسان‌ها و حیات روحی آن‌ها دارای قوانین و مکانیسم‌ها و فعل و انفعالات اختصاصی‌اند، اگر بخواهیم با آنها تعامل مثبت داشته باشیم باید قوانین حاکم بر رفتار بشر را خوب بشناسیم و کلید و رمز شخصیتشان را به دست آوریم. همچنین در متون دینی، الگوی مدیریت، رسالت انبیاست و هدف اساسی در مدیریت علمی نیز نمی‌تواند بیگانه و نامربوط به هدف اصلی رسالتها باشد که این مهم به زیبایی تمام در متون ادب فارسی انعکاس و نمود پیدا کرده است.

جامعه‌ی ایرانی همانند جوامع متمدن دیگر، ویژگی‌های خاص خود را داراست و از آنجا که مدیریت در هر جامعه، رابطه‌ی مستقیمی با فرهنگ آن جامعه دارد، ضروری است که برای نهادینه کردن اصول مدیریت ایرانی، فرهنگ آن را بشناسیم و یک سلسله قوانین مخصوص اش را کشف کنیم.

پژوهشگری که بخواهد درباره‌ی مدیریت، روانشناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ و فلسفه تحقیق کند ولی آثار بزرگان ادب پارسی را نادیده بگیرد، در حقیقت خود را از فعالیت‌های عقلی برگزیدگان یک ملت متفکر و هوشمند محروم ساخته است. این حقیقت که به متون ادبیات فارسی، غالباً غیر علمی نگاه شده و انس علمی و شناختی این هنر در ادوار تاریخ، کمتر مورد عنایت جان‌های تشنه‌ی معرفت بوده است، بر هیچ اندیشمندی مکتوم نیست. پوشیده نیست خلق هر کار جدیدی، با فراز و فرودهای بسیار توأم است، نگارنده نیز با شوق درونی، ناملایمات طریقت را با همراهی پیشوایان عالم به جان دوست‌تر داشته تا بخشی از این آیین‌های جهانی علم و دانش (ادبیات فارسی) هر چه افزون‌تر بر ادب‌دوستان مکشوف شود.

متون سه‌گانه‌ی ادب پارسی این تحقیق از منظر مدیریتی مورد بررسی، تبیین و تحلیل قرار گرفته است؛ ولی بی‌گمان، تفاوت و تشابه‌نگری هر یک از نظریه‌پردازان ایرانی و غیر ایرانی، واقعیت‌های انکارناپذیری چون زاویه‌ی دید، مقتضای زمان و مکان و ایدئولوژی مخصوص آنان را بیتر می‌نمایاند.

ادیبان بزرگ ادبی فارسی چون سعدی، خواجه نظام الملک، کلیله و دمنه، هر چند از برخی جنبه‌ها به علم مدیریت پرداخته‌اند، لیکن دانشگاهی ساخته‌اند که طالب را بر حسب مراتب و استعداد از صورت تا معنا راهنمایی می‌کنند.

اولین همایش بین المللی و سومین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

سپهسالاری درصدد آموختن اخلاق سیاسی به کسی است که پدرش با این کتاب کوشیده است وی را برای کشورداری آماده کند». (فرهانی منفرد، ۱۳۸۵: ۵۱)

اهداف تحقیق

- بررسی جنبه های مدیریتی نصایح الملوک در ادب فارسی
- بررسی کارکردهای سیاسی - اجتماعی متون کهن ادب پارسی
- بیان نکات فرهنگی برخی متون ادب فارسی (همچون: سیاست نامه و کلیله و دمنه)

فرضیه های تحقیق

- ۱- جنبه های مدیریتی در ادب فارسی شامل موارد بی شماری چون: رعایت عدالت، به داد مظلومان رسیدن، داشتن علم و آگاهی و ... است.
- ۲- بسیاری از متون نظم و نثر کهن ادب پارسی می توانند به عنوان الگویی مناسب در جامعه ی امروز به کار گرفته شوند.
- ۳- کتاب های ادب کهن پارسی حاوی نکات ارزنده ی اخلاقی و فرهنگی هستند.

تعریف مدیریت

واژه ی مدیریت^۱ به «عمل پیش بردن و کنترل تجارت یا سازمان» (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۴: ۷۷۸) تعبیر شده است و در اصطلاح، عبارت است از: «عملی که به صورت آگاهانه و مستمر، انجام شده و به سازمان شکل می دهد. هر سازمان، دارای افرادی است که جهت کمک در راه تأمین این هدفها مسئولیت هایی را می پذیرند. این افراد را مدیر^۲ می نامند. این مدیران (هربیان، رهبران و مدیران فروش) بیش از دیگران در سازمان به چشم می آیند؛ ولی بدون وجود یک مدیریت اثربخش، احتمالاً سازمان با شکست مواجه خواهد شد». (استونر و همکاران، ۱۳۸۷: ج ۱/۷)

مدیریت به عنوان یکی از فعالیت های اجتماعی بشر، سابقه ای بس دیرینه دارد، اما آنچه را که به عنوان تاریخچه و سیر تحولات نظریه های سازمان و مدیریت بیان می شود، از زمانی است که نظریه ها و تئوری های مدیریت و سازمان پا به عرصه وجود نهادند و مدیریت به صورت رشته ای علمی در میان سایر رشته های علوم مطرح گردید. بنابراین «ذکر این مطلب که رشته ی مدیریت در سال های پایانی سده ی نوزده میلادی شکل گرفته است به معنای عدم وجود آن در اعصار پیشین نیست. همان گونه که به سادگی می توان پذیرفت، کشف قدرت جاذبه به وسیله ی نیوتن به معنای عدم وجود چنین قدرتی قبل از وی نبوده است». (رضاییان، ۱۳۸۷: ۱۴)

در مقوله ی مدیریت و سازمان نیز آغاز طرح نظریه های مدیریت و سازمان را می توان در سال های اولیه قرن بیستم جستجو کرد. «پس از نظریه ی بوروکراسی وبر^۳ (۱۸۶۴م)، اصول مدیریت علمی و اداری تیلور^۴ (۱۹۱۵م) و هنری فایول^۵ (۱۹۲۵م) و نهضت روابط انسانی و مدیریت رفتاری در سال های دهه ۱۹۳۰، نظریه های سیستمی و اقتضائی پا به عرصه وجود نهادند؛ به طوری که امروزه نیز این مکتب تفکر غالب در مدیریت و سازمان است». (الوانی، ۱۳۸۷: ۱۷)

1- Management
2- Manager
3- Weber
4- Taylor
5- Henri Fayol

مهارت‌ها و ابعاد مدیریت

مدیریت، عموماً از سه بعد، مورد توجه قرار می‌گیرد:

بعد فنی مدیریت: این بعد، شامل مهارت‌های مدیران در کاربرد فنون، روش‌ها و دانش است. از آنجا که مدیران امروزی معمولاً نیازهای فنی مشاغل خود را می‌شناسند، توانایی فنی آنها مورد تردید قرار نمی‌گیرد. به‌عنوان مثال از تجربه مدیران در کامپیوتر، حسابداری، مهندسی و یا بازاریابی می‌توان به‌عنوان بعد فنی نام برد. مدیری که در کار خود از شایستگی فنی برخوردار باشد، به بهبود ابعاد انسانی و ادراکی مدیریت نیاز بیشتری دارد. بعد انسانی مدیریت: این بعد، قدرت تشخیص و توانایی کار با مردم و به‌وسیله آنها را دربر می‌گیرد. بعد ادراکی مدیریت: این بعد نیز، شناخت پیچیدگی‌های کل سازمان و انجام دادن امور در جهت تحقق هدف‌های سازمان است». (برومند، ۱۳۸۶: ۴)

«تجزیه و تحلیل مهارت‌های مدیریت به توضیح این واقعیت کمک می‌کند؛ که چرا مدیران برجسته‌ی ادارات، بعضی اوقات معاون ضعیفی برای ریاست عالی سازمان هستند؟ سبب این است که افراد مزبور، ممکن است ترکیب مناسبی از مهارت‌های لازم برای مشاغل سطوح بالاتر، خصوصاً مهارت‌های ادراکی را نداشته باشند». (ایران‌نژاد، ۱۳۷۹: ۴۲۳)

بررسی و تحلیل بررسی جنبه‌های مدیریتی

جنبه‌های مدیریتی ملوک در سیاست‌نامه‌ی خواجه نظام‌الملک طوسی

کتاب سیاست‌نامه‌ی خواجه نظام‌الملک طوسی، از مهم‌ترین منابع شناخت ساختار سیاسی و اجتماعی ایران قرن پنجم هجری به شمار می‌آید. خواجه نظام‌الملک این کتاب را زمانی نوشت که دیگر چندان قدرت و نفوذ سیاسی نداشت و مخالفان او توانسته بودند میان خواجه و سلطان ملک شاه اختلاف و کدورت ایجاد کنند. «سیاست‌نامه با آن که در ظاهر نوعی روش‌نامه‌ی سیاسی - اداری است؛ به گونه‌ای غیر مستقیم و گاهی مستقیم، بیانگر کاستی‌های موجود در نظام سیاسی آن روزگاران و حکومت سلجوقیان نیز هست». (حاج‌بابایی و شهبندی، ۱۳۹۱: ۶۰)

می‌توان گفت که:

«سیاست‌نامه، نوعی اندرزنامه است که در آن، نصایح و حکمت‌های سیاسی بیان می‌شود و مؤلف در آن به اقتضاء زمان، مکان و شرایط خویش، اندرزهایی از گذشتگان را نقل می‌کند، یا به آن شکل دلخواه و مفید برای شرایط خود را می‌دهد و یا آن‌ها را برای هدف خاصی برگزیده و جهت‌گیری و اقدامات مشخصی را تجویز می‌کند. همین خاصیت گلچین کردن، موجب می‌شود که اغلب اندرزنامه‌ها، سیستماتیک و منظم نباشند و نتوان از آن‌ها سیر تفکر منظمی استخراج کرد. غالب اندرزنامه‌نویسان، گاه به سنت فکری مشخص هم وفادار نمی‌مانند و از فلاسفه، شعرا، کتب مقدس، احادیث، حکایات و روایات و انواع معارف دیگر در آثار خویش می‌گنجانند. به طبع، اندرزنامه‌نویسان، ذوق و مذاق‌های مختلف دارند و اندرزنامه‌ای که فقیه می‌نویسد، با اندرزنامه‌ی ادیب، متفاوت است و در اولی، شریعت رنگ و صبغی غالب‌تر خواهد داشت؛ با این حال، نکات مزبور، به معنای نفی تفکر و نظام فکری در این آثار نیست و بی‌شک، اندرزها از ذهنیت خاصی بر می‌خیزند، با جهان‌بینی خاصی سازگارند و مقتضای محیط خاصی می‌باشند. بنابراین، در مطالعه‌ی منظم، امکان استخراج نظام فکری از آن‌ها وجود دارد.» (قاسمی، ۱۳۸۶: ۲۶۴).

برقراری امنیت:

«امنیت از ابتدایی‌ترین حوایج بشر است و از این رو، از ابتدا ذهن بشر را به خود مشغول داشته است. این مفهوم، همچنین صبغه‌ای اجتماعی - سیاسی دارد و بنابراین آغشته به فرهنگ‌ها، نظرات، نگرش‌ها و عقاید گوناگون بوده و در ازمنه و امکانه

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

مختلف، معنا و مفهوم نسبتاً متفاوتی یافته است. بی‌گمان، همان‌گونه که امروزه به امنیت نیاز داریم، گذشتگان نیز چنین احتیاجی را حس می‌کردند و برای حفظ و تامین آن راه‌ها و روش‌های مختلف اندیشیده و به کار می‌بستند. (همان: ۲۶۱)

در نصیحت‌نامه‌ها، سلطان از ایجاد چنین «دور باطلی» بر حذر می‌شود:

«هرگاه سلطان جور ورزد، رعیت آواره و فقیر می‌شود و خزانه‌ی شاه تهی می‌گردد». (طوسی، ۱۳۸۳: ۱۲۰) و در آن صورت، اگر تهدیدی متوجه ملک شود، حفظ سپاهیان و قوای مسلح میسر نخواهد بود و ملک از دست خواهد رفت. بنابراین، امنیت سلطان و رعیت در هم تنیده است. در واقع، «پیدایش ناامنی و «ویرانی زمین» از دو چیز است؛ عجز پادشاه و جور او» (غزالی، ۱۳۶۱: ۱۱۱) و سلطان باید توازنی ظریف را بین رافت و خشم، حفظ کند.

خواجہ نظام الملک برای شاه، نقشی ویژه قائل است و اعتقاد دارد بخشی عمده از فساد موجود در جامعه به واسطه شخص شاه و غفلت وی پدید می‌آید. شخص پادشاه و شیوه حکومت داری وی از مواردی است که نظام الملک در کتاب سیاست‌نامه بارها بدان پرداخته و انتقاداتی تند و تیز به آن وارد کرده است. وی معتقد بود: «هیچ گناهی نیست نزدیک خدای تعالی بزرگ تر از گناه پادشاهان» (طوسی، ۱۳۸۳: ۴۹).

رعایت عدالت و دوری از ظلم و ستم

«السلطان ظل الله فی الارض» (عاملی، ۱۳۸۴: ۶۶) به اعتقاد خواجہ نظام الملک پادشاه و سایه‌ی خداوند بر روی زمین است. همان‌طور که خداوند در حق او احسان کرده و بر خلق برگزیده است، او نیز باید سفره‌ی رحمت و احسان خویش را بر خلائق بگستراند تا وضع و شریف از خوان کرمش بهره مند شوند. پادشاه رکن رکین مملکت است؛ وجود امنیت، آسایش و رفاه خلق به وجود او باز بسته است. خداوند از میان آفریدگان خویش، دو گروه را بر دیگران رجحان داد که اولی پیامبران و دومی پادشاهانند؛ پیامبران بدین دلیل برگزیده شدند تا راه هدایت و ضلالت را بر مردم بنمایانند و اما پادشاهان را به این دلیل برگزید تا مردمان را از شر همدیگر در امان دارند.

امام محمد غزالی ایمان را به دو بخش تقسیم می‌کند: یکی میان پادشاه و حقی تعالی؛ مانند نماز و روزه و دور بودن از شراب و حرام، و دیگر میان پادشاه و خلائق و آن همانا عدالت پادشاه نسبت به خلائق است. (غزالی، ۱۳۶۱: ۱۳).

«از مهتر و بهتر انبیاء، محمد مصطفی (ص) نقل است که عدالت یک ساعته بهتر از عبادت هفتاد ساله است، که چون پادشاه عدل کند رعیت در امن به طاعت حق مشغول شوند، در هر ساعتی هفتاد ساله عبادت در مملکت پادشاه ظاهر گردد و چون سبب و وسیلت آن عبادت، عدل پادشاه بوده باشد، در ثواب مشارکت باشد و در عمر و مال و نعمت و فرزند و خانه او برکت پیدا آید.» (راوندی، ۱۳۶۴: ۶۹).

توصیه به عدل ورزی یکی از مضامین پر رنگ در فرمایشات حضرت رسول (ص) است. ایشان عدل را عزت اسلام و قوت پادشاه می‌شمارند و صلاح امور خواص و عوام را باز بسته بدان می‌دانند؛ به طوری که خواجۀ بزرگوار، نظام الملک، از قول وی می‌آورد:

«در خبر است که پیغمبر (ص) گفت: العدل عز الدین و قوة السلطان و فیه فصلاح الخاصه و العامه؛ یعنی عدل عز دین و قوت سلطان و صلاح لشکر و رعیت است و ترازوی همه نیکی هاست، چنانکه خدای تعالی گفت: والسماء رفعها و وضع المیزان؛ یعنی به از عدل چیزی نیست و جای دیگر گفت: الله الذی انزل الكتاب بالحق و المیزان؛ و سزاوارترین پادشاهی آن است که دل وی جایگاه عدل است و خانه‌ی وی آرامگاه دینداران و خردمندان.» (طوسی، ۱۳۸۳: ۵۷).

عدم واگذاری مشاغل متعدد به افراد

۶

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

خواجه نظام الملک واگذاری مشاغل متعدد به یک فرد را از عوامل گسترش فساد اداری می‌داند. او این عمل را نتیجه غفلت پادشاه و بی‌کفایت وزیر می‌داند:

هرگاه که وزیر بی‌کفایت باشد و پادشاه غافل، نشانش آن بود که یک عامل را از دیوان دو عمل فرمایند و زیادت تر. و امروز مرد هست که بی‌هیچ کفایتی ده عمل دارد و اگر شغل دیگر پدید آید، هم بر سر خود نویسد و بدو دهند و اندیشه نکنند که آن مرد، اهل آن هست یا نه (همان: ۱۹۹).

وی معتقد است به هر کسی باید براساس توان و شایستگی‌اش شغل داد و دادن بیش از یک شغل را صلاح نمی‌داند: «هر عاملی و متصرف پیشه‌ای را بر اندازه‌ی کفایت و فضل و اندازه‌ی آلت، یک شغل باید فرمود و اگر کسی شغلی دارد و دیگر می‌خواهد، اجابت نکنی و رخصت ندهی تا این رسم محدث از مملکت بیفتد» (همان: ۲۱۴-۲۱۳).

البته همان گونه که گفته شد؛ نظام الملک کتاب سیاستنامه را زمانی نوشته است که دیگر اقتدار سابق را ندارد و شاید از مقام وزارت بر کنار شده است و دیگر امکان امر و نهی ندارد و از این روست که از بی‌کاری شایستگان این گونه شکوه می‌کند: «چندین مردمان کافی و شایسته و معتمد کارها کرده را محروم گذاشته اند و در خانه‌ها معطل نشسته و هیچ کس را اندیشه و تمییز آن نه که چرا مجهول و بی‌اصلی چند، چندین شغل بر خود نویسند و معروفان و کاردانان یک شغل ندارند و محروم و معطل مانده (همان: ۱۹۹).

عدم واگذاری کارها به افراد نالایق

از دیدگاه خواجه نظام الملک، واگذاری امور به افراد نالایق و ناهل عامل زوال حکومت است و آن نتیجه بی‌لیاقتی وزیر می‌باشد: «هر وقت که مجهولان، بی‌اصلان را و بی‌فضلان را عمل فرمایند و معروفان و اصیلان را معطل گذارند ... دلیل بر نادانی وزیر باشد ... اگر وزیر عاقل و دانا باشد، علامت آن باشد که کارها به مردم اهل تفویض کند تا ملک زوال نیابد» (همان: ۲۰۷).

نکته بارز در اندیشه خواجه نظام الملک آن است که وی داشتن دین و اعتقاد نیکو را بسیار مهم تر از داشتن تخصص و دانش در زمینه آن کار می‌داند و بارها بر این نکته تاکید می‌ورزد که کارگزاران حکومتی باید از میان افراد شایسته انتخاب شوند و مهم‌ترین نشانه‌ی شایستگی، داشتن عقاید مذهبی اهل سنت است و برای اثبات سخن خود، حکایتی در مورد برخورد خلیفه دوم با عامل یهودی سعد بن ابی وقاص آورده است که در آن حکایت از قول عمر بیان می‌کند که داشتن عقیده پاک بسیار برتر از داشتن تخصص است (همان: ۲۱۷-۲۱۴).

با توجه به ساختار فکری نظام الملک که برخاسته از تعلق وی به طبقه اشراف بود و مدت سی سال قدرت بلامنازع امپراطوری سلجوقی را در دست داشت؛ پذیرش تغییرات و حضور چهره‌های جدید که از ایشان به عنوان «کارناکردگان و کودکان و برنایان (همان: ۱۸۵) یاد می‌کند، چندان خوشایند نیست و وی یکی از عوامل آشفتگی اوضاع را حضور این چهره‌های جدید می‌داند. وی نتیجه این کار را نابودی حکومت می‌داند و در ضمن حکایتی چنین می‌نویسد:

«بزرگمهر را پرسیدند که سبب چه بود که پادشاهی آل ساسان ویران گشت و تو تدبیرگر او بودی و امروز به رای و تدبیر و خرد و دانش تو در جهان نظیری نیست؟ گفت سبب دو چیز بود؛ یکی آن که آل ساسان کارهای بزرگ به کارداران و خرد و نادان گذاشته بودند و دیگر اهل دانش و خردمندان را خریداری نکردند و کار با زنان و کودکان گذاشتن و این هر دو را خرد و دانش نباشد» (همان: ۲۲۸).

اولین همایش بین المللی و سومین ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

جنبه های مدیریتی ملوک در کلیله و دمنه

کلیله و دمنه سیاستنامه ای است که در قرن ششم نوشته شده و اصول و قوانین سیاسی و حکومتی را در قالب حکایت، تبیین نمود است. نصرالله منشی که در واقع مترجم و مولف این کتاب است، در تبیین قوانین حکومتی به دیدگاه های سیاستنامه نویسانی چون فارابی و ابن مسکویه و ماوردی و دیگران، نظر داشته است؛ از این رو باید گفت که متنی بسیار حساس است و این نکته در متن کتاب نیز اشاره شده است؛ در مقدمه ای ابن مقفع برای اثر نگاشته شده می آورد که برزویه برای به دست آوردن و ترجمه ی

کتاب، مدت ها سرگردان بوده و سرانجام با هندویی آشنا و درباره ی کتاب از او جویا می شود و هنگامی که هندو می فهمد برزویه می خواهد کتاب را از او قرض بگیرد به او گوشزد می کند که پنچانتترا (کلیله و دمنه) اثری بسیار حساس است بنابراین با او شرط می بندد که هرگز کسی بر این موضوع اطلاع پیدا نکند «اگر کسی را برین اطلاق افتد برادری ما چنان باطل گردد که تلافی آن به مال و متاع در امکان نیاید که ملک ما درشت خوی و خرد انگارش (بسیار سختگیر) است بر گناه اندک عقوبت بسیار فرماید چون گناه بزرگ باشد پوشیده نماند که چه رود.» (منشی، ۱۳۷۸: ۳۴).

«کلیله و دمنه که اصل آن هندی است، ترجمه نصرالله منشی در قرن ششم است و از جنبه های مختلف برآثار بعد از خود تاثیر گذاشته است. شاید بتوان گفت برگردان این کتاب در آن دوره تصادفی نبوده و حاصل تدبیر، نیاز جامعه، فرهیختگان و طبقات برگزیده بوده است. این اثر را در اصل رساله ای دانسته اند در باب سیاست، موسوم به «نیتی چاسترا» که برای شاهزادگان گزارش شده است.» (محبوب، ۱۳۴۹: ۲۲) از آنجا که مضمون حکایت ها در کلیله و دمنه گاهی به اقتضای جهان بینی و فرهنگ و عرف مترجمان تغییر کرده است.

در زبان فارسی نیز بی تردید با توجه به دیدگاه های کلامی رایج در زمان نویسندگان و اوضاع سیاسی و اجتماعی آن دوران، مضامین تغییر کرده یا مضامین دیگری از حکایت ها برداشت شده است (تقوی، ۱۳۷۶: ۸۰).

در کلیله و دمنه شخصیت ها حیواناتی هستند که زندگی آن ها شبیه انسان هاست، تکلم می کنند می اندیشند. محققان این نوع داستان را فایل می خوانند. هدف این نوع داستان، آموختن و تعلیم اصل و حقیقت اخلاقی یا معنوی است. این کتاب با حکایت هایی همراه است که موضوع اصلی آن ها بیشتر معطوف به حکمت عملی است که از سه شعبه اخلاق فردی، تدبیر منزل و سیاست مدن تشکیل شده است (همان: ۷۷).

از آنجا که این کتاب علاوه بر امتیازهای ادبی به دلیل مضامین برجسته و محتوای آن درخور توجه است، هر کس فراخور ذوق و فهم بر وفق مرام و مقصود خود از آن بهره می گیرد: «عوام برای داستان های شیرین و دلکش آن، خواص برای مضامین حکمت آمیز و پندآمیز آن و اهل سیاست و کشورداری برای عبرت گرفتن و تدبیر آموختن (مجتبایی، ۱۳۸۱: ۱۷).

انتخاب حکایت و داستان برای بیان مقاصد تعلیمی از ویژگی های کلیله و دمنه است که آن را از اندرنامه ها یا کتاب هایی چون اخلاق ناصری، کیمیای سعادت، نصیحه الملوک و غیره متمایز کرده است. به همین دلیل، مخاطب صرفاً با نظریه های اندرزی خشک و بی روح مواجه نیست.

رعایت عدالت

«دادگری صرفاً اصلی اخلاقی نیست بلکه بنیاد حکومت و امری کاملاً سیاسی است. داد ضامن پایداری حکومت و بیداد عامل فروپاشی قدرت است» (رستموندی، ۱۳۸۷: ۱۷). ایجاد عدالت در جامعه به اجرای قانون تربیت افراد وابسته است و قانونی عدالت را در جامعه به دنبال خواهد داشت که عادلانه باشد؛ یعنی منبع قانون، قانونگذار و مجریان آن عادل باشند.

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

سعدی در «گلستان» بر رعایت عدالت از سوی حاکمان تأکید دارد؛ به گونه‌ای که پادشاهانش زیر دستان را به عدالت فرا می‌خوانند:

«آورده‌اند که انوشیران، غلامی را که به روستا فرستاد تا نمک حاصل کند، گفت: زنهار نمک به قیمت بستانی تا رسمی نگردد و دیه خراب نشود» (سعدی، ۱۳۸۹: ۷۴).

او معتقد است که عملکرد پادشاهان تأثیر مستقیمی بر رفتار کارگزاران دارد؛ از این رو در تفسیر عبارت حدیث: «الناس علی دین ملوکهم» (احتشام، ۱۳۵۵: ۶) این گونه سخن می‌راند:

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سیبی
به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد
برآورند غلامان او درخت از بیخ
زنند لشکریانش هزار مرغ به سیخ

(سعدی، ۱۳۸۹: ۷۴)

نویسنده «کلیله و دمنه» در این زمینه با سعدی هم صدا شده و به پادشاهان توصیه می‌کند که:

هر کجا فریاد خیزد مقصد فریاد باش
سایه بر مظلوم گستر آفتاب داد باش

(منشی، ۱۳۷۸: ۳۷۳)

از دیدگاه نویسنده «کلیله و دمنه» عدل پادشاه باید چون خورشید شامل حال همه شود، زیرا: «که ایشان سایه آفریدگارانند، عزامه، در زمین و عالم بی‌آفتاب عدل ایشان نور ندهد» (منشی، ۱۳۷۸: ۲۳۴).

در کلیله و دمنه، پادشاه همه جا با صفت «عدل» شناخته می‌شود و رعیت زیر سایه‌ی عدل او می‌آرمند؛ چرا که «آرامش عمومی در سایه نظام اجتماعی مرهون عدالت است و بدون آن امکان‌پذیر نخواهد بود. در هر زمان و مکان بی‌عدالتی ظلم منفور خاص و عام بوده و مورد مواخذه قرار می‌گرفته است» (احتشام، ۱۳۵۵: ۸۲).
داشتن خرد و دانش در امور

خرد و دانش جایگاه والا و تعیین‌کننده‌ی در زندگی بر عهده دارد. میدان ملکداری و حکومت، درست همانند صفحه شطرنج، عرصه آزمون و کنش‌هایی است که به یاری خرد و دانش می‌توان علیه مهره‌های مخالف قدرت‌نمایی کرد و پادشاه در این جولانگاه نبرد و شکست و پیروزی پرچم دار خرد و دانش است.

انوشیروان کسری بن قباد - پادشاه عادل بختیار و شه‌ریار عالم کامکار - نیز از شعاع عقل و نور عدل حظی وافر داشت. در توصیف کوروش گویند: «وی پادشاهی بود که در یکایک کردارهای روزانه خود از خرد و بینش، فروتنی، مدارا و زیرکی سیاسی برخوردار بود» (ویسپوهر، ۱۳۸۰: ۶۱).

دمنه نیز شیر را به فضیلت رای و مزیت خرد از ملوک دیگر مستثنی می‌داند. کلیله و دمنه، پادشاهی را موفق می‌داند که «چون مهمی حادث گردد، وجه تدارک آن بر کمال خرد و حصافت او پوشیده نگردد و طریق تلافی آن پیش‌راند فکرت او مشتبّه نماند، و المر یعجز لا المحاله نقصی از چنین حوادث و دفع آن جز به عقل و ثبات و خرد و قال ممکن نشود» (منشی، ۱۳۷۸: ۳۶۳). در کلیله و دمنه خرد جایگاه والایی دارد.

«عقل، عمده سعادت و مفتاح نهمت است و هر که بدان فضیلت متحلی بود و جمال حلم و ثبات بدان پیوست، سزاوار دولت و شایان عز و رفعت گشت» (همان، ۴۰۸). عقل از نظر کلیله و دمنه «کلید خیرات و پایبند سعادات است. و مصالح معاش و معاد و دوستکامی دنیا و رستگاری آخرت بدو باز بسته است» (همان، ۲۸). «دانش و کاردانی گیتی و فرهنگ و آموزش در هر پیشه و همه ترتیبات امور مردم روزگار به خرد باشد. روان پارسایان به سبب نیرو و نگاهبانی خرد، بیشتر به رهایی از دوزخ می‌

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

داشتن خلاقیت و ابتکار

نظام موفق علاوه بر اعمال نظارت پایدار در کسب و کار و امور سیاسی دولتمردان و نحوه‌ی اداره‌ی کشور، به طور مستمر، راهبردهای جدید و نو را بررسی می‌کند و می‌آزماید؛ «نوآوری از تنش خلاق و زنده بین ایجاد مرزها و محدوده‌ها و آزمون آن‌ها سرچشمه می‌گیرد» (استیسی، ۱۳۷۸: ۱۲۹)

نمونه‌ی نخست زمانی است که دمنه با اجازت شیر به نزد شنزبه می‌رود وقتی او را ملاقات می‌کند، هراس او را در می‌یابد؛ لذا جمله‌ای را بر زبان می‌آورد تا شنزبه را به اطاعت از شیر و آمدن نزد او وادار سازد بنابراین در رویارویی او چنان با هیبت و شدت و استحکام سخن می‌گوید که شنزبه گمان کند که مقامی بسیار بالا دارد: «به نزدیک گاو رفت و با دل قومی بی تردد و تحیر با وی سخن گفتن آغاز کرد و گفت، مرا شیر فرستاده است و فرموده که تو را نزدیک او برم و مثال داده که اگر مسارعت نماتی امانی دهم بر تقصیری که تا این غایت روا داشته‌ای و از خدمت او تقاعد نموده و اگر توافقی کنی برفور بازگردم و آن چه رفته باشد باز نمایم» (منشی، ۱۳۷۸: ۷۳)

دمنه با استفاده از خلاقیتی که به کار می‌برد موفق می‌شود زیرا، شیر نحوه‌ی سخن گفتن با شنزبه را نمی‌داند و نمی‌توانست دمنه را راهنمایی کند، لذا لازم بود دمنه از هوش و فراست خویش کمک بگیرد و کار را به نحو احسن انجام دهد. بنابراین در سخن خود کلمات و عباراتی را بیان می‌دارد که اهمیت موضوع را چند برابر سازد؛ افعال و کلماتی چون: فرموده، مسارعت، تقصیر و تقاعد، امان دادن و مثال، کلماتی هستند که نشان می‌دهند که مسئله بسیار مهم است و شنزبه هم با همین دریافت، در واقع به هراس می‌افتد.

در واقع باید گفت که در این برهه، دمنه از خود گذشتگی و فداکاری همراه با خطرپذیری بسیار بالایی نشان می‌دهد و با این کار تاج و تخت و موقعیت شاه را حفظ بلکه دو چندان می‌کند زیرا شیر پس از آمدن شنزبه در میان درباریان، از موقعیتی ممتاز برخوردار می‌شود در حالی که هیچ کس جز کلیله از این امر، آگاه نیست. البته باید گفت که تمام کسانی که به تبیین عملکردهای دمنه در این داستان پرداخته‌اند، دمنه را فردی مزور و ریاکار دانسته‌اند ولی با بررسی دقیق و توان به این نتیجه رسید که در واقع، آن چه باعث پیشامدهای ناگوار برای شنزبه و سپس خود دمنه می‌شود، عملکردها و داوری‌های شیر است او نباید شنزبه‌ی بیگانه را تا بدان حد بالا می‌برد و کارها و ریسک‌پذیری‌های دمنه را نادیده می‌گرفت، از طرفی دیگر هم شیر و هم شنزبه می‌توانستند با قدرت و امکاناتی که دارند، گروهی را مامور رسیدگی به کارها بنمایند و قضیه را متوجه شوند. در صورتی که در این داستان دیدگاه تقدیری بر همه چیز غلبه می‌کند و شنزبه منتظر می‌نشیند تا تقدیر فرود آید.

لزوم حفظ سلسله مراتب یکی از پیامدهای آشفتگی، بر هم خوردن نظم و نسق کار و ارتباطات درون حکومتی و سلسله مراتب اداری است و چه بسا چالشی بزرگ و ابدی را فراروی نظام قرار می‌دهد.

حفظ سلسله مراتب اداری یکی از ویژگی‌ها و وظایف مهم سلطان و حاکم بوده است و اصطلاح «عدالت» بر آن اطلاق می‌شده است؛ عدالت در اندیشه‌ی سیاسی ایران تا پیش از مشروطه به معنای حفظ سامان و نظام هستی بوده که در حقیقت با طبقه بندی آحاد جامعه، حاصل می‌شده است؛ عدالت پیش از اسلام به معنای ایجاد طبقات جامعه و قرار دادن افراد سرزمین ایران، در هر یک از طبقات به فراخور حرفه و هنر و پیشه‌ی آنان بوده است (کشاورزان، کارگران، صنعتگران، دبیران، قاضیان، روحانیان، موبدان و ...). پادشاهان برای آن که بتوانند نظام کشور و سرزمین (آرمانی) خویش را سامان دهند باید از طریق ایجاد طبقات و حفظ آن، در واقع به نوعی، از جمعیت و شغل و پیشه‌ی آنان، آمار می‌داشتند تا بتوانند میزان مالیات (مالیات دهندگان و گیرندگان) و دخل و خرج و هزینه‌های مختلف کشور را برآورد نمایند؛ این کار از طریق برقراری ساختار طبقاتی، امکان‌پذیر بود و این تقسیم‌بندی از سخت‌ترین کارها و عامل برقراری عدالت بود.

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

از دو ویژگی و مشخصه‌ی شاه آرمانی (دینداری و عدالت) عدالت اولویت داشته است؛ رعایت عدالت، چون ترازویی، کارها را به انتظام می‌آورد. در مقابل این مسئله، طبقات جامعه هم باید با حفظ خویشکاری، از پرداختن به وظایفی که قانون برای آن‌ها منع نموده، سرباز زنند و خود را به آن امور وارد نکنند؛ خویشکاری به معنای حفظ سلسله مراتب طبقاتی است که در جامعه‌ی ایران باستان، معمول و از اصول مهم سیاسی بوده است.

فارابی، ماوردی، غزالی و دیگران بر این امر، بسیار صحنه گذاشته‌اند؛ کلمه‌ی «اصل و نسب» در دیدگاه غزالی باعث می‌شود که برداشتی طبقاتی از موضوع، به دست دهد؛ «پادشاه باید که کار خویش به دست ناسزاواران باز ندهد و اندر دست خداوندان اصل و نسب نهد که اگر به دست ناسزا دهد ملک خویش به باد دهد و ...» (منشی، ۱۳۷۸: ۱۳۷) و باز در جایی دیگر می‌آورد که نبینی که چون کسی از عامه را ولایت رسد و خواهد که از رعیت شمار گیرد به سیاست سخن گوید و جاه خویشتن به سیاست پدیدار کند که رعیت هم بدان چشم اول نگرند او را. «همان، ۱۳۰» که یادآور اندیشه‌ی خویشکاری و تعبیری دیگر از آن در اندیشه حکمت خسروانی است. «وجود دیوانسالاری یا سلسله مراتب برای حفظ و اطمینان از عملکرد کارآمد و موثر درجهات وضع موجود است. در صورتی که شبکه‌ی خودکار ارتباطات بین کارکنان در سازمان به گونه‌ای عمل می‌نماید که دیوانسالاری و سلسله مراتب را رفته رفته تضعیف نموده و حتی آن را از میان بر می‌دارد.» (استیسی، ۱۳۷۸: ۲۱) در کلیله و دمنه هم به گونه‌ای بر این امر تاکید شده است؛ در باب الاسد و الثور، دمنه برای پادشاه همین امر را تبیین می‌نماید؛ «ملک تا ... بر اندازه رای و رویت اتباع خویش واقف نباشد از خدمت ایشان انتفاعی نتواند گرفت و در اصطناع ایشان (انتصاب ایشان) مثال نتواند داد ... و از حقوق رعیت بر ملک آن است که ... به هوا در مراتب تقدیم و تاخیر نفرماید ... که در کار از عزایم پادشاه غریب نماید: حیلست بر پای بستن و پیرایه‌ی پای بر سر آویختن» (منشی، ۱۳۷۸: ۶۸) این جملات بیان‌کننده‌ی آن است که پادشاه باید مراتب هر کس را بداند و او را بر همان اساس، به کاری انتصاب و یا مامور نماید و بداند که مردم و کارگزاران - باید در چه رتبه‌ای مشغول به انجام وظیفه باشند.

نتیجه

با توجه به بررسی و تفحصی که در دو اثر سیاست‌نامه‌ی خواجه نظام‌الملک طوسی، کلیله و دمنه انجام گرفت، نتایج زیر به دست آمد:

سیاست‌نامه:

- ۱- خواجه در این اثر، به شکل غیرمستقیم، نظرات قابل توجهی را در باب اصول مدیریت حاکم بیان می‌کند. وی ضمن توأمان دیدن ملک و دین و تاکید بر ضرورت حفظ و تقویت هر یک برای تقویت و تحکیم دیگری، بین امنیت رعایا و قدرت و عظمت پادشاه نیز رابطه‌ای برقرار می‌کند. گاهی نارضایتی از شیوه‌ی حکومت و مشاهده‌ی فساد در دستگاه حاکم و بیان سرنوشت حاکم جائز جنبه‌ی یادآوری برای اصلاح امر است.
- ۲- خواجه نظام با تکیه بر کلام اشعری و مبانی فقهی خاص خود مقام خلیفه را نه مانند شاه آرمانی که منبع توزیع سعادت و نیک بختی بود بلکه شخص خلیفه و والی را محصل این اصلاح امور و بسط نیکی در جامعه قلمداد می‌کند. تلاش وی در استخدام مفاهیم ایران باستان، تاسیس جامعه‌ی ای پیامبر پسند و مهیا کردن بسترها برای شکوفایی، رشد و تعالی جامعه اسلامی معنادار می‌شود.
- ۳- شیوه‌های ملک‌داری و مدیریت در سیاست‌نامه خواجه بزرگ برای پادشاه تذکر داده شده است و با نقل حکایاتی آموزنده پادشاه را نسبت به مسایل متعدد دنیوی و اخروی آگاه ساخته است.

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

۴- خواجه نظام‌الملک در کلیه‌ی امور مملکت نظریه‌پردازی کرده است؛ چرا که خود سالیان متمادی سکان هدایت کشوری پهناور را عهده دار بوده و در شیرینی و تلخی‌های مردم آن نقش بسزا داشته است؛ بنابراین در تمام ریزه کاری‌های حکومت وارد شده و چیزی را که لازمه حکومت آن دوره است، از قلم نینداخته است. او سیاستمدار کهنه کاری است که گاهی هدفش از ذکر پاره‌ای از مسائل، فقط جنبه تبلیغاتی قضیه است و بدان بها می‌دهد و گاهی با تیزهوشی همچون منتقدی باریک بین از کارهای پادشاه زمانه خرده‌گیری می‌کند.

کلیله و دمنه:

۱- در کلیله و دمنه جنگل نماد هستی است و پادشاه محور و مرکز دایره هستی است. مقام پادشاهی در آن داده الهی است که خداوند عطا کرده است. او نماد دسترسی به تعالی در جهان خاکی است. پادشاه خورشید آسمان حکومت است که همه چیز در گروه وجود اوست. پادشاه قائم مقام خدا بود؛ پس هم سنگ ایزدان تلقی می‌شد و مانند خدایان افرادی بی‌مرگ، زیبا، زنده، لایزال و فنا ناپذیر بود. نشانه‌های جاودانگی در اسباب و لوازم شاهی وی دیده می‌شد هرگاه به یکی از ویژگیهای فوق خلل وارد می‌شد، هیبت شاهانه وی نقصان می‌پذیرفت که در نتیجه پادشاه در زمره منکوبان در آمده و از این مقام عزل می‌شد.

۲- شاه گاه به صورت ظل الله و گاه به صورت سجایای اخلاقی نمود پیدا می‌کند. اگر پادشاهی از مسیر راستی منحرف شده، فضایل اخلاقی تبدیل به رذایل شود، از فریب نصیب گشته و متعاقب آن، از مقام شاهی نیز بی‌بهره می‌گردد.

۳- پادشاه وظایف دینی و مسئولیت سیاسی را به طور هم‌زمان عهده‌دار است؛ به عبارتی سیاستش در عبادتش مدغم است و بالعکس. بنابراین می‌توان گفت اجرای امور کشوری و دینی در گروه ارتباط این دو نهاد است و این دو همواره از یکدیگر حمایت و معاضدت می‌نمایند.

۴- پادشاه وی باید در مقابل راستی به زانو رود، سر فرو خم‌اند و سپس ایستاده و از آن پیروی نماید و بر آن باشد که پرتویی از ملکوت، سراسر نور و روشنی را با اعمالی تهی از سیاهی، تیرگی، زشتی و پلشتی در این زمین خاکی امکان تجلی و ظهور دهد تا در نتیجه جهان از ظلم، دروغ، مرگ و تباهی که مظهر عیب و فسادند، پاک شود تا در سایه راستی آزادی، دادگستری، پیشرفت، آسایش، شادی، مهر، بزرگی دانش و ساماندهی کشور امکان پذیر شود.

منابع:

- احتشام، مرتضی. (۱۳۵۵). ایران در زمان هخامنشیان، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- استونر، جیمز ای. اف و فریمن، ادوارد و گیلبرت، دانیل. آر. (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر مدیریت، مدیریت در قرن بیست و یکم، برنامه‌ریزی، جلد ۱، ترجمه‌ی علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، تهران، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۷.
- استیسی، رالف دی. (۱۳۷۸). مدیریت بر ناشناخته‌ها (مرزهای راهبردی بین نظم و آشفتگی در سازمان‌ها)، ترجمه‌ی محسن قدمی و مسعود نیازمند، تهران، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- اوستا. (۱۳۷۵). توضیح جلیل دوستخواه، تهران، انتشارات مروارید.
- ایران‌نژاد پاریزی، مهدی. (۱۳۷۹). سازمان و مدیریت از تئوری تا عمل، تهران، نشر مؤسسه‌ی بانکداری ایران.
- برومند، زهرا. (۱۳۸۶). مدیریت رفتار سازمانی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- تقوی، محمد. (۱۳۷۶). حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی، تهران، انتشارات روزنه.
- حاج‌بابایی، محمدرضا و شهبندی، محمود. (۱۳۹۱). ابعاد فساد از دیدگاه خواجه نظام‌الملک طوسی، فصلنامه‌ی سیاست، مجله‌ی حقوق و علوم سیاسی، دوره‌ی ۴۲، شماره‌ی ۲، صص ۷۵-۵۹.
- حدادیان، مراد. (۱۳۷۸). آسیب‌شناسی سیاسی از دیدگاه برجسته‌ترین اندرزنامه‌نویسان عهد ترک و مغول در ایران (خواجه نظام‌الملک

اولین همایش بین المللی و سومین ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

- طوسی، امام محمد غزالی و بابا افضل کاشانی، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- حیدری، طیبیه. (۱۳۹۲). تحقیق و تصحیح انتقادی کتاب اخلاق محمودی، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه دانشگاه زنجان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- راوندی، سلیمان محمد بن علی. (۱۳۶۴). راحه الصدور و آیه‌السرور در تاریخ آل سلجوق، تصحیح و ترجمه‌ی محمد اقبال، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- رستموندی، تقی. (۱۳۸۷). آز و داد: آسیب‌شناسی سیاسی شهرداری در شاهنامه فردوسی، مجله‌ی پژوهش سیاست نظری، شماره‌ی ۵، صص ۳۱-۱۲.
- رضاییان، علی. (۱۳۸۷). مبانی سازمان و مدیریت، تهران، انتشارات سمت.
- رضائیان، کبری. (۱۳۹۱). بررسی متن فارسی میانه‌ی یادگار بزرگمهر و مقایسه با ترجمه‌ی عربی آن در جاویدان خرد، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی.
- سعدی، شیخ مصحح‌الدین. (۱۳۸۹). نصیحه‌الملوک، به کوشش سید محمود انواری، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- طوسی، خواجه نظام‌الملک. (۱۳۸۳). سیاست‌نامه (سیرالملوک)، به کوشش جعفر شعار، تهران، انتشارات سپهر.
- عاملی، سید محمد. (۱۳۸۴). قواعدالسلطین، به تصحیح رسول جعفریان، تهران، انتشارات کتابخانه‌ی موزه و اسناد مجلس شورای اسلامی.
- غزالی، محمد بن محمد. (۱۳۶۱). نصیحه‌الملوک، به تصحیح و حواشی جلال‌الدین همایی، تهران، انتشارات باب.
- فرهانی منفرد، مهدی. (۱۳۸۵). سیاست، تاریخ و ادبیات در قابوس‌نامه، مجله‌ی تاریخ و تمدن اسلامی، شماره‌ی ۳، صص ۵۱-۶۸.
- قاسمی، محمدعلی. (۱۳۸۶). قدرت و امنیت در سنت سیاست‌نامه‌نویسی: مطالعه‌ی سیرالملوک خواجه نظام‌الملک، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، شماره‌ی ۳۶، صص ۲۶۱-۲۷۷.
- گروهی از نویسندگان. (۱۳۸۴). فرهنگ آکسفورد، تحت نظر ادونس لرنر، تهران، انتشارات ثامن‌الائمه و منادی.
- مجتبایی، فتح‌الله. (۱۳۵۲). شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان، تهران، انتشارات انجمن فرهنگ ایران باستان.
- محبوب، محمدجعفر. (۱۳۴۹). درباره‌ی کلیله و دمنه، تهران، انتشارات خوارزمی.
- منشی، نصرالله. (۱۳۷۸). کلیله و دمنه، به تصحیح و شرح مجتبی مینوی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- الوانی، سیدمهدی. (۱۳۸۷). مدیریت عمومی، تهران، نشر نی.
- ویستهوفر، یوزف. (۱۳۸۰). ایران باستان، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر، تهران، انتشارات ققنوس.

The reviewing of management aspects of Nasayeh Ol Molok in Persian literature (with emphasis on policy of Khajeh Nezam Ol Molk Tusi and Kelileh and Demneh)

Abstract

Despite the impressive development in today's world, unfortunately, thought leadership thinkers and Muslim scholars had, to the extent that it is worth, has not been studied. Many of these ideas can be among the managerial literature, travelogues, poems, historical and geographical books, identity cards, etc. Nsyhtnamh over fourteen centuries written by Iranian Muslim scholars received. And case study analysis. Therefore, in this article we tried Policy Nizam al-Mulk Tusi, Nsyhh al Saadi, and all Dimna, the famous works of Persian literature are important, From the perspective of management science to be discussed and scrutinized. We have different points of management in the various chapters were taking notes. The author of this study, the use of raw materials and scarce research resources relevant examples that require real message of Persian poet, explain. What the study and conclusions set forth clear attitude is that Iranian Persian literature as a reflection of life. The social life of a nation that in light of the history, community management, wise and justice was a necessity.

Keywords: Nasayehalmolok, king of Persian literature, Policy, Nasihatalmolok of Saadi, Panchatantra, management